



به نام خدا

# امیلی وجست وجو

پای  
سه

ال. ام. مونتگمری  
ترجمه‌ی سارا قدیانی



سه‌گانه‌ای از نویسنده‌ی

آنی تشری





## قسمت اول

### ۱

امیلی برد استار وقتی از شروزبری به نیومون برگشت، دوره‌ی دبیرستان را پشت سر گذاشته بود و افق گسترده‌ای پیش رو داشت. او دفتر خاطراتش را با این جمله شروع کرد: "دیگر از چای کتانی<sup>۱</sup> خبری نیست".

این یک سمبل بود. وقتی خاله الیزابت ماری به امیلی اجازه داد چای واقعی بنوشد - آن هم یک اجازه‌ی همیشگی نه به‌عنوان امتیازی گاه و بیگاه - معنایش این بود که با بزرگ شدن امیلی کنار آمده است. البته دیگران هم کم‌وبیش، بزرگ شدن او را پذیرفته بودند، به خصوص پسردایی‌اش اندرو ماری و دوستش پری میلر که هر دو به او پیشنهاد ازدواج داده و به شکل دردآوری، دست رد به سینه‌شان خورده بود. وقتی خاله الیزابت متوجه‌ی این قضیه شد خوب می‌دانست که با

۱. cambric tea: چای کتانی نوعی نوشیدنی برای کودکان است که شامل مقدار کمی

چای همراه شیر و شکر است.